

## این جا سراوان است!

طی روزهای 21 فروردین 1401 تا 8 اردیبهشت به مدت 18 روز، یک سلسله اعتراض های توده ای در نقطه ای از کشورمان رخ داد. بررسی این رویداد نشان می دهد چگونه طی سال ها، مشکلات و نارسایی ها و ضعف و بی لیاقتی رژیم اسلامی، بر روی هم انباشته می شود، بی آن که اراده و عقلانیتی برای حل و یا حتی کاهش آن مصائب از سوی دستگاه عریض و طویل و انگلی حکمرانی و مدیریت رژیم وجود داشته باشد. در این میان طبیعت و محیط زیست و پیامد فوری آن، زندگی انسان مورد تجاوز و بی اعتنایی و آسیب قرار می گیرد و هیچ چشم اندازی نیز برای حل این مساله- و البته همه ی معضلات ریز و درشت جامعه وجود نداشته باشد.

گزارش زیر بر اساس گزارش هایی که به دست ما رسیده است، برخی منابع خبری داخلی و خارجی و گزارش شفاهی فعالان محلی به ما، تنظیم گردیده است. ما به مردم عزیز سراوان، زنان و مردان پرومند و مبارز این خطه درود می فرستیم و خود را در اعتراض و مبارزه شان علیه عوامل سرکوب گر اداری و انتظامی همراه و همراه می دانیم.

.....



از سراوان سخن می گوئیم و از «کوه سراوان» ،پدیده ای شگفت در جامعه بشری ،یعنی پدید آوردن کوه توسط آدمیان.

پیش از این اعتراضات، کارزاری به امضای باشندگان این شهر، آغاز می گردد. آنان نامه ای به دادستان استان گیلان، سازمان حفاظت محیط زیست، استاندار و ریاست منابع طبیعی استان ارسال می کنند. متن نامه ما را کمک می کند تا بیشتر به موضوع وارد شویم:

«سراوان گیلان منطقه ای با طبیعتی بکر و جنگلی پر از درختان انبوه بوده که به جنگل های هیرکانی دارای درختانی با قدمت هزاران ساله و ثبت شده در یونسکو متصل است. منطقه ای در ۳۰ کیلومتری شهر رشت که روزانه چند تن زباله گیلان اعم از زباله های خانگی، ساختمانی، بیمارستانی و... در آنجا دپو می شود. در این سال ها مسئولین برای ایجاد کارخانه زباله سوز و تصفیه خانه برای شیرابه های و عده های زیادی دادند اما متأسفانه هنوز هیچ اتفاقی رخ نداده است و مردم منطقه با بیماری های پوستی و تنفسی و انواع سرطان مواجه اند.

حدود یک سال پیش یک تصفیه‌خانه با هزینه میلیاردی احداث شد که آن هم کامل نشده و عملاً تعطیل است و همچنان شیرابه‌های حاصل از زباله روانه رودخانه‌های زرجوب و گوهررود و سپس به دریای کاسپین، آب‌های زیرزمینی، مزارع کشاورزی و... می‌ریزد. همچنین بوی بد و وجود مگس‌های زیاد در آن منطقه مردم را به ستوه آورده است. ما بارها گفته‌ایم که اگر مشکلات این استان را اولویت‌بندی کنیم، مشکل زباله سراوان و ساماندهی رودخانه‌های زرجوب و گوهررود در اولویت قرار دارند؛ هیچ چیزی مهم‌تر از سلامتی این مردم و محیط زیست نیست.

از دستگاه قضایی و نظارتی خواشمن‌دیم همانطور که برای تعطیلی سایت سراوان کنار مردم هستند، پیگیری فاکتورهای خرج و مخارج مدیران را بررسی کنند تا دست متخلفان رو شده و با آنان برخورد جدی و قضایی صورت گیرد تا دوباره طبیعت و مردمی سالم و سرزنده داشته باشیم».

از سال ۱۳۶۳ مشکل دفن زباله در این خطه ی جنگلی آغار و علیرغم فراز و فرودها و وعده و وعیدهای مسئولان استانی تاکنون مشکل دفن زباله در سراوان حل نشده است. در تیرماه آن سال در جلسه‌ای با حضور فرماندار و شهردار رشت و مدیرکل اداره منابع طبیعی استان گیلان تصمیم گرفته شد که اداره منابع طبیعی گیلان، بیش از ۵ هکتار از جنگل‌های سراوان را به منظور دفن زباله با شرایط خاص به شهرداری رشت تحویل دهد.

در سال ۱۳۷۰ منابع طبیعی استان گیلان طی نامه‌ای به شهرداری و فرمانداری رشت هشدار داد که شهرداری به تعهداتش عمل نکرده و آب‌های سطحی و زیرزمینی و نیز هوای جنگل سراوان آلوده شده است. اما اینک کار از آلودگی آب‌ها و هوا گذشته و طبق گزارش رسانه‌های داخل ایران، ارتفاع کوه زباله در این منطقه به بیش از ۹۰ متر رسیده است.

تجمع 18 روزه مردم سراوان برای جلوگیری از ورود زباله شهرهای دیگر گیلان به این روستا ی تخلیه آن در مکانی به نام «سایت لندفیل» بدون رسیدن به نتیجه و با خشونت پایان گرفته و از این پس دوباره زباله ۸ شهر گیلان به این روستای پنج هزار نفری سرازیر می‌شود؛ روندی که بیش از ۳۰ سال است ادامه داشته است.

با گذشت ۴۰ سال از عمر این دفن‌گاه و افزایش زباله منطقه به بیش از ۱۰۰۰ تن در روز، هنوز برای حل این آسیب بزرگ زیست محیطی گام اساسی برداشته نشده است  
اهالی سراوان در سال‌های ۱۳۹۵، ۹۶ و ۹۸ نیز به جمع اعتراضی نسبت به دفن زباله در روستایشان دست زده و راه عبور خودروهای حمل زباله را مسدود کردند اما هر بار با وعده و وعید مسئولان اعتراضات شان را متوقف کرده و در انتظار اجرای وعده های این مسئولان مانده اند.



مبارزه آغاز می شود:



بنا به یک گزارش دریافتی از ساعت 7 صبح یکشنبه 21 فروردین راه ورودی به سایت زباله توسط اجتماع کنندگان بسته شد. منافع مردم سراوان در بستن سایت زباله است و منافع دولت در ادامه روند گذشته مردم می گویند: «جان بچه های ما برای ما مهمتر از هر چیزی است سایت برای همیشه باید بسته شود». صدای مردم سراوان واضح و روشن است بسته شدن سایت و نه چیزهای دیگر... با سپری شدن چند روز از آغاز اعتراض کم کم روزنامه ها و دیگران آمدند.. تیتتر صفحه اول روزنامه های «گلچین» و «سوال جواب» در روز چهارشنبه ۷ اردیبهشت نیز به سراوان اختصاص یافت... حالا دیگر مسئولان تا ظهر دو بار به جمع معترضان سر میزدند! مسئولانی که سی سال است با پررویی به مردم دروغ می گویند. «امیدواریم بالا تا پایین شان ، کلا نسل شان منقرض بشود» گزارش ادامه می دهد:

ما فریاد می زنیم: جناب فرماندار و شهردار ... رشت؛ هر جای دنیا چنین بلایی سر مردم یک منطقه می آوردند ، مسئولین را به جرم جنایت زیست محیطی و ضد بشری به حبس محکوم میکردند!!!

حیف که این استان صاحب ندارد و هر کسی ساز خودش را میزند!!!

دل ما برای مردم مظلوم سراوان میسوزد که سالها در بین زباله ها و شیرابه های عفونی دفن شده و دیگر صدایشان را کسی نمیشنود!!!



بستن سایت و جلوگیری از تخلیه زباله تا پنج روز بدون دردسر ادامه دارد. زیرا محل بازیافت «لاکان شهر» تا پنج روز محلی برای ذخیره سازی زباله دارد. مشکل اصلی از روز پنجم به بعد است. آنچه خیلی میتواند به اعتراض مردم سراوان کمک کند حمایت مردم رشت و گروه های مردم نهاد برای شرکت و حمایت فکری برای کمک به ادامه روند تجمع در روزهای بعد است. بدیهی است که تا کنون مسئولان یکی یکی با ادبیات خیرخواهانه به تجمع کنندگان سر زده اند. از ما حمایت کنید. ما به مردم می گوئیم:

مردم خوب و فهیم سراوان شما سالهاست که با فاجعه زیست محیطی مواجه هستید و جان و سلامتی شما را به خطر انداخته و چه بسا خیلی از عزیزان شما از این کوه بسیار بزرگ زباله دچار بیماری غیر قابل علاج شده اند و در سر سفره های تن سوسک و مگس و انواع حیوانات موذی دست به گریبان هستید در صورتی که همین مسئولان متولی این امور در حیاط منزلشان و یا در ویلاهای شان گل های زینتی و گرانقیمت کاشته شده که در موقع قدم زدن از بوی خوش گل حال کنند. مردم خوب سراوان حق خودتان را از شهردار و فرماندار و

استاندار بگیرید شما نه ضد انقلاب هستید و نه ضد نظام. شما انسانهای شریفی هستید که خواستار آرامش و امنیت زیست محیطی هستید. پس با تمام قدرت یقه این علوی بی شرف را گرفته و در همان زباله دانی در سراوان چند روز بندید تا بفهمد که شما چه عذابی می کشید.

طی روزهای بعد و با پیشرفت اعتراض جسارت ها بیشتر می شود و حال و هوای مردم معترض به طرز بسار جالب و شورانگیزی تغییر می کند.

«شبهای اول هنوز هوا تیغ داشت. گاهی لرزه به جان آدم می انداخت. یک شب پیرمردی گفت چقدر سرده و دو تا جوان فوراً کاپشنهای خود را کردند و تعارف او کردند. دو نفر از تجمع کنندگان هنگام خروج از پارک زدند به ماشین همدیگر آن ها پیاده شده و با هم دست دادند و با لبخند خداحافظی کردند. عجیب بود یک مشکل بزرگ مردم را بهم نزدیک و نزدیکتر میکرد شبها کنار آتش چای مینوشیدیم و ... خوشی های دیگر، مردم با هم مهربان شده بودند.

این شب ها آدم را یاد روزهای اول انقلاب ۵۷ می اندازد. جوانان با هم مهربان و با چای و بیسکویت از هم پذیرایی میکنند. کور شوند آنها که نمیتوانند این همبستگی و اتحاد بین مردم را ببینند.

در ادامه شب مانی مقابل درب ورودی سایت زباله بحثها بیشتر و بیشتر میشد و هر روز یکی یکی مسئولان استان به محل تجمع می آمدند و تلاش می کردند که ما را بشکنند. وعده و وعید می دادند و ما نمی پذیرفتیم. خواست مان روشن بود: ما خواهان بسته شدن فوری «سایت لندفیل» بودیم.

هنگام ملاقات برخی از مسئولان استان، افرادی از میان ما که به نظر می آمد آدم های عقب مانده ای باشند جهت خودشیرینی و شاید جلب ترحم آن ها می خواستند که دست این آقایان را ببوسند، که مورد تمسخر ما قرار می گرفتند. چرا باید دست و پای کسی را ببوسیم اگر هم کسی باید دست و پای کسی را ببوسد این مسئولین ج.ا هستند که باید دست و پای مردم سراوان را ببوسند و به خاطر بازی با جان مردم منطقه عذرخواهی کنند. با سیاست های یک بام و دو هوا نمی شود صدای مردم سراوان بود. صدای ما واضح و روشن است سایت را بندید. امید همه مردم سراوان این هست که اینجا از همین الان بسته شود. همه مسئولان استان می دانند مردم سراوان چه میکشند اما حاضر نیستند برای ما کاری کنند. ما دیگر تحمل نمی کنیم. از نجابت مردم سراوان ۳۷ سال سوء استفاده کردید و بعد از ۳۷ سال می گوئید باز هم به شما اجازه دهیم اینجا زباله بریزید. وحشتناک هستید. ما دیگر اجازه نمیدهیم.

این جا روی سخنان ما مستقیم به شهردار است. آقای شهردار به خودتان وعده ندهید کسی به قول شما اعتماد ندارد آن چرخه هم که ازش حرف زدید ۳۷ سال امکان تحقق داشت که فرصت سوزی کردید برای چرخه تان بفرمایید جای دیگر برای انباشت باشید در سراوان امکانش نیست.

به گفته کارشناسان شهرداری تولید شیرابه ۳۰ لیتر در ثانیه است و اگر تصفیه خانه آماده باشد بازده اش ۳ لیتر در ثانیه از اینکه شما تا سه سال آینده قادر به ساخت تصفیه خانه نیستید میگذریم مهمتر اینکه همش دروغ میگوئید تولید شیرابه زباله سراوان مخصوصا در فصل بارندگی چند صد برابر است ایشون اومدن و گفتن که نه از طرف شورای تامین استان و نه از طرف فرماندار و نه حتی از طرف دادستانی بلکه بعنوان یک شهروند آمدن و برداشت خودشان از جلسه ایی که در شورای تامین استان بوده ما را مطلع کنند

کلا حرفشان این است به کار انباشت زباله ادامه میدهیم و تا دو تا سه سال آینده در مورد تصفیه شیرابه قول میدهیم کاری کنیم

از طرف بهزیستی استان یک گروه کارشناس می آوریم تحقیق کند که بوی زباله و مگس و ... برای اهلی مضر است و یا نه؟ و اگر کسی خسارتی دیده از خسارت دیده جبران مالی میکنیم

تا آن موقع به یک هیئت مردمی اجازه نظارت بر روند انباشت زباله میدهیم

حداقل سه سال وقت می خواهیم تا جایی را پیدا کنیم برای دفع زباله

معاون استاندار و معاون شهردار رشت بعد از ظهر به سایت زباله می آیند



ولی همه ما میدانیم که همه این حرفها باد هواست



پیوستن زنان برای شب مانی در مقابل درب ورودی سایت دفع زباله یکی از جلوه های شورانگیز و موثر در جریان اعتراض شبانه روزی مردم بود. حضور زنان جنان پرشور بود که در جریان سرکوب روز آخر، آنان در صف مقدم اعتراض، از هدف های اصلی نیروهای سرکوبگر بودند و سپس در روزهای پس از سرکوب و در جریان بازخواست و دستگیری، زنان نیز در شمار تعقیب و پیگرد دستگاه سرکوب قرار گرفتند که تا هم اکنون نیز ادامه دارد.



فرجام اعتراض:

هشتم اردیبهشت هزار و چهار صدویک لکه ننگ دیگری از تاریخ فضاقت بار رژیم خودکامه و سرکوبگر عیان شد!

در گزارش به دسیسه های پنهان برای سرکوب مردم در جلسات کار به دست های «شورای تامین استان» می پردازد:

«آقای دادستان ما می دانیم شما چرا آمدید سایت زیاله، در جلسه شورای تامین استان نشستید و تصمیم گرفتید هر جور شده تجمع کنندگان را سرکوب کنید. ۱- به نمایندگان مردم در شورای اسلامی سراوان پیغام دادید که مردم معترض نمایندگان خود را به استانداری بفرستند. زیرا برای فرماندار و استاندار و شهردار رشت سخت بود خودشان بیایند. ۲- ماموران پاسگاه سراوان را اعزام کردید تا از پلاکاردها و بنرها و تجمع کنندگان فیلم بگیرند و گزارشی برای شما مبنی بر تجمع اعتراضی مردم و تعدادشان و ... گزارش دهند ۳- دو عکاس چند دقیقه بعد از آمدن ماموران شما به سایت آمدند ۴- خودتان هم که دست آخر آمدید و در نهایت گفتید زیاله را اینجا نیاورند کجا ببرند؟ ۵- ممکن است شما ما را سرکوب کنید اما این پایان راه نیست دیگر نمیگذاریم زیاله در سراوان انباشت شود. بروید و جای دیگری برای زیاله خود پیدا کنید.

بخشی از صحبت‌های سرهنگ حافظی فرمانده انتظامی رشت که دقایقی قبل از بازگشایی ورودی سایت زیاله و در حقیقت قبل از سرکوب با مردم انجام داد، که با وعده ی نادرست اینکه استاندار قطعا در بین شما حضور خواهد یافت و زیاله هم به سراوان نمیاید سعی در راضی کردن مردم شد اما هم استاندار نیامد، هم زیاله آمد!

مردم مظلومی که مرگ بی صدای خود و خاک سرزمین آبا و اجدادی شان، سراوان زیبا را با تمام وجود حس میکردند! بیست شبانه روز از جان و مال خود هزینه کردند تا جلوی خسران بیشتر ناشی از بی تدبیری چهل ساله رژیم آخوندی را بگیرند! اما این رژیم نشان داد سودای نابودی این آب و خاک و مردمانش را تا خشکاندن آخرین نهال! آخرین قطره آب و آخرین نفر به جد و شدت پی گرفته و عکس شهدا و استناد به شعار رهبر منتصب و اهدای شاخه گل به مزدور سرکوبگر و فریاد الله اکبر هم نمیتواند در این راه مانعی ایجاد کند! شهیدان مظلوم سراوان ما بابت نادیده گرفته شدنشان توسط مزدوران رژیم شرمنده ایم! خانواده های شهدای سراوان که ورودی معبر زیاله تجمع کردند تا همصدا و همنوای سایر هم محلی هایتان باشید، دلجویی ما را بپذیرید که با دستان خالی نتوانستیم از شما در مقابل مزدور اسلحه و باتوم به دست مراقبت کنیم!

راستی چه زود فراموشمان میشود وعده هایمان!  
به وقت امتحان! آن مسئول خرقة پوش و آن مزدور زره پوش که وعده همراهی می دادند تا پای جان کجا بودند؟ فراموشی یا خاموشی!؟

اما خرقة پوشان و زره پوشان رژیم پوشالی!  
سراوانی ها نه مانند شما خاموش میشوند نه فراموش می کنند چهل سال جهل شما چه بر سرشان آورد!  
درست که اینجا و در این بخش تاریخ باتوم و زیاله را نثار این ولی نعمتان بی منزلت کردید! اما زیاله دان تاریخ مطمئنا جایگاهتان خواهد بود!

از دادستان تا زیردستان! قدرت زر و زور شما بر دستان خالی ما زنان و مردان چربید! اما قهر طبیعت شما و دودماتان را به باد خواهد داد!

اما آن ها به راحتی نمی توانستند به طور موقت هم که شده بر ما پیروز شوند. مگر دفعات قبل مسئولان شورا و دهداری و ... چه گلی بسر مردم زدند؟ خیلی راحت منافع عمومی مردم را به دیگران فروختند. این بار و تاکید میکنم فقط این بار مردم با شجاعت تمام فریب خائنان را نخوردند و تا آخر ایستادند و تمام مسئولان استان را از دفاتر مجلل خود به مقابل سایت کشاندند و از آنها به خاطر اعمال غیر کارشناسی شان توضیح خواستند؛ و آنها را مورد سرزنش قرار دادند. زنان سراوان واقعا سربلند ساعت ها کتک خوردند اما حتی لحظه ای از منافع عمومی و حق انسانی عقب نایستادند. یادتان نرود در تمام تجمعات قبلی زنان به حساب نیامدند اما این بار شجاعانه و دلیرانه از حقوق مردم دفاع کردند. من از آنروز گلویم گرفته و در مقابل این زنان

شجاع از جان گذشته سر تعظیم فرود می آورم . مبارزه برای زندگی بهتر هزینه دارد و مردم سراوان این هزینه را پرداختند؛ اما سرکوب هم هزینه دارد و سرکوبگران خواهی خواهی هزینه سرکوب گریشان را می پردازند.



مبارزه ادامه دارد:

در اولین اقدام از گوشه و کنار می شنویم که اعضای شورای اسلامی سراوان دیگر نمایندگان مردم نیستند. در کدام دوره از ۵۷ تا کنون مردم سراوان چنین جراتی داشتند؟ ما میگوییم بر علیه مسئولان رها سازی زباله در طبیعت و ادامه این کار به دادستانی شکایت کرده و مجدداً اجتماع می کنیم. شکایت دیگری علیه استاندار می کنیم که دستور سرکوب اجتماع قبلی را داد. راه ما ادامه دارد. امید که من و تو در کنار مردم باشیم. زنده باد جنبش مطالباتی مردم در پی تجمع اعتراضی به حق مردم سراوان و اقدامات ناجوانمردانه و سرکوبگرانه استاندار گیلان شاهد احضار و بازداشت روزانه ۱۵ نفره زنان و مردان اهل سراوان هستیم. بدینوسیله اقدامات قضایی و امنیتی ناجوانمردانه دولتی مهندسی شده علیه مردم بی دفاع را دون شان و منزلت مردم سراوان دانسته و خواهان خاتمه اقدامات از این دست هستیم . این بهانه که کسی سنگی پرتاب کرده و سر یک درجه دار شکسته بهانه خوبی برای زهرچشم گرفتن از مردم سراوان نیست . پلیس ضد شورش ، پلیس لباس شخصی ، پلیس زنان ، یگان ضد شورش موتورسوار ، خودرو های ون و خودروهای سرکوب و آب پاش و در نهایت پستی و ردالت حضور اراندل و اوباش چماق دار شهرداری را برای سیزده به در نیاورده بودید . آمده بودید تا هر خواسته و مطالبه گری بر حق را سرکوب کنید . به زنان ما تعرض کردید و با باتوم و گاز اشک آور و اسپری فلفل و شوکر و اراندل و اوباش اهانت کردید به افراد سالمند دست درازی کردید . جوانان ما را که در تجمع ۱۸ شبانه روز ثابت کردند از شریف ترین و شجاع ترین انسانهای جامعه هستندند بازداشت کردید . سنگ پرانی را هم عوامل خودتان شروع کردند . گیریم که در میان تجمع کنندگان پیروان ولایتی و وفادار به نظام باشند و یا نباشند کدام مطالبه مردم ضد نظام و اصول مندرج در قانون اساسی بود . چرا برای یک سر شکسته اینقدر

مردم را تحت فشار می گذارید در حالی که خاطیان و متجاوزان به حقوق مردم که در پنج تجمع اعتراضی گذشته در شورای تامین استان مصوبه نوشتند و امضا کردند و خاناناه خلف وعده کردند کاری ندارید؟ ما مردم سراوان از دستگاه قضا تقاضا داریم استقلال خود را حفظ کند و در اسرع وقت افراد بازداشت شده را آزاد کند و خائنین به مردم را به مجازات برساند . وقتی یک گردان مجهز را برای سرکوب میفرستید و گل میگیرید و ناجوانمردانه بسوی مردم گلوله پلاستیکی شلیک میکند حقتان چیست؟ در آخرین شب تجمع نماینده وزیر کشور گفت دیگر در سراوان زباله نخواهید ریخت ولی دروغ گفتید. از روز شنبه ۱۰ اردیبهشت زباله تر به «سایت لندفیل» ریختید. شما برای سرکوب مردم چیزی کم نگذاشتید. منتظر روز انتقام باشید .

**کاوه دادگری**

12 می 2022 برابر 22 اردی بهشت 1401

kavedadgari@gmail.com